



انطباق صلح امام حسن(ع) با امر الهی و سنت نبوی

محمود مهدوی دامغانی، اسلام‌شناس گفت: بر اساس آیات ۶۵ و ۶۶ سوره «انفال»، صلح امام حسن(ع)، منطبق به امر الهی و سنت نبوی بوده است.

محمود مهدوی دامغانی، اسلام‌شناس گفت: بر اساس آیات ۶۵ و ۶۶ سوره «انفال»، صلح امام حسن(ع)، منطبق به امر الهی و سنت نبوی بوده است.

انطباق صلح امام حسن(ع) با امر الهی و سنت نبوی محمود مهدوی دامغانی، مدرس دانشگاه و اسلام‌شناس، در گفت و گو با ایکن از خراسان رضوی، به مناسبت ۲۸ ماه صفر و سالروز شهادت امام حسن مجتبی(ع)، در تشریح سیره آن حضرت، اظهار کرد: در موضوع تولد، رحلت و مصائب امام حسن مجتبی(ع) سخن بسیار است که گفتند و شنیدیم، اما تمایل دارم، چند مطلب درباره بزرگی آن حضرت از دیدگاه پیامبراعظم(ص) و پدر بزرگوارشان، امام علی(ع) بگویم. این مطالب را از دو منبع شیعه و اهل سنت می گویم، چرا که منابع اهل سنت نیز مملوء از فضائل حضرت است.

وی ادامه داد: موضوع اول این است که شیفتگی پیامبر(ص) به امام حسن(ع)، نخستین فرزند دخت گرامیشان فاطمه زهرا(س) نیاز به توضیح ندارد و کاملاً معلوم است، آن هم پدری، جدی بزرگوار که با تولد حضرت مجتبی(ع)، امتداد نسل خود از لحاظ پسر مشاهده فرموده است. می دانیم پسران حضرت رسول(ص) قبل از بعثت، رحلت کردند و شوق حضرت در تولد امام چنان بود که حضرت شخصا عهده دار نامگذاری امام حسن(ع) شدند. به قول عطار:
نور چشم مصطفی و مرتضی/شمع جمیع انبیا و اولیا
جمع کرده حسن خلق و حسن ظن/جمله افعال چون نامش حسن

مهدوی دامغانی عنوان کرد: در منابع اهل سنت و شیعی، درخصوص شیفتگی پیامبر(ص) نسبت به امام حسن(ع) بیان شده، این شیفتگی چنان بود که خود، ذبح عقیقه ایشان را برعهده گرفتند. اینطور نبود که این کار را به کس دیگری محول کنند، سپس فرمودند که موهای کودک را بزایند و هم وزن آن زر و سیم صدقه بدهند و از ارزنده ترین عطر که به پرده کعبه می زدند و معطر می کردند، به سر ایشان زدند و چه بد مردمی بودند، مردم جاهلی که بر سر نوزادان به جای عطر خون می مالیدند.

این اسلام‌شناس ابراز کرد: اکنون که از اربعین چند روز می گذرد، در هفت مجلس بسیار منظم و بزرگ این شهر شرکت داشتم. دریا و بی سعادتا که گوش من حتی در این هفت روز یک فضیلت حسنی را بشنود و بر قدرت فهمش افزوده شود، آن هم در مجلسی که بیش از ۷۰ سال سابقه دارد.

وی تصریح کرد: در اکمال الدین صدوق، در آثار ارزشمند دیگر و در منابع اهل سنت آمده و این روایت نقل شده که یک روز مانده به رحلت حضرت ختمی مرتبت، حضرت سلمان نقل می کند که در بیرون از خانه حضرت نشست و اندوهگین بودم. حضرت امیرالمؤمنین(ع) از خانه بیرون آمد و گفت: «چرا اینجا نشستی؟» گفتم: «از دلتنگی نشستم»، ایشان فرمودند: «برخیز و برو در محضر حضرت، ایشان تو را آرام می کند.» رفتم نزد پیامبر(ص)، زهرا(س) به شدت می گریست، پدر با عواطف خاص نبوی شروع به شمارش نعمات الهی کرد و فرمود: «خداوند بهترین همسر، فرزندان را به تو ارزانی داشته، حمزه، آن عموی منظم و بزرگوار و پسر عمویت جعفر و من». در این میان حضرت زهرا(س) از تکلیف خود بعد از رحلت پرسید که حضرت فرمودند: «پدر! این دو فرزندم فاضل و برتر هستند و اما درباره این دو گران سنگ فرزندان، به هوش باش که نخستین از دومی برتر است، چرا که وی ۱۰ سال بر دومی امام خواهد بود.»
در تبیین سیره حسنی غفلت شده است

این مدرس دانشگاه بیان کرد: باید توجه کرد اگر شیفتگی عمیق خود را به حضرت سید الشهدا(ع) اظهار می داریم، که این نیز وظیفه است، مبادا نسبت به کم توجهی به ساحت امام حسن(ع) در پیشگاه خدا مورد پرسش واقع شویم. مکرر سخن است، درباره صلح حضرت با معاویه، به عنوان دولت مردی نااهل و فریفته دنیا که همراه با عمروعاص دین خود را به متاع بی ارزش دنیا فروختند و مکرر حضرت ختمی مرتبت فرمودند: «این پسر من حسن سرور همگان است و خداوند متعال میان دو گروهی که حالت جنگ قرار می گیرد، به وسیله او صلح برقرار می کند» و پیامبر(ص) در حضور تعداد زیادی در مسجد نبوی این مسئله را چندین بار تکرار فرمودند. وانگهی کسانی که نسبت به صلح امام حسن مجتبی(ع) ناآگاهانه و یا خدای نکرده مغرضانه برخورد می کنند و فکر می کنند این صلح مبتنی بر مصالح جامعه آن روز، نبوده است.

مهدوی دامغانی با اشاره به آیه ۶۵ و ۶۶ سوره «انفال» بیان کرد: پایداری در قبال دشمن قبلا چنین بود که یک نفر در قبال ۱۰ نفر، یعنی اگر از شما ۱۰ نفر پایدار بودند، در مقابل ۱۰۰ نفر غلبه می کردند. اینک خدا ضعف شما را فهمید و تخفیف داد، ۱۰ نفر در مقابل ۲۰ نفر، بنابراین حداقل بزرگواری شما در قبال دشمن، یک به دو باشد. به نوشته مدائنی و دیگران لشکری که معاویه فراهم آورده بود، بیش از ۷۲۰ هزار نفر جمعیت دین به دنیا فروخته بود و اما لشکر امام به ۵۰۰۰ نفر نمی‌رسید، بنابراین اگر کسانی شبیه&lrmsای درخصوص صلح امام حسن(ع) که منطبق بر سنت نبوی و اوامر الهی نبوده را مطرح می کنند، سخت در اشتباه هستند.

این مدرس دانشگاه عنوان کرد: من حق این دلتنگی را برای خود حفظ می کنم که شاید دستگاه رسانه گروهی و رسانه تبلیغی ما در خصوص احقاق حقوق زندگی مجتوبی متهم به قصور و کوتاهی نباشند. بسیار سخت است که در صحنه رستاخیز سیدالشهدا(ع) از من گله کند که انجام وظیفه ات به برادر بزرگواری که ده سال بر من امامت داشت، چگونه بود و چه کرده ای؟

وی با اشاره به ظرایف کرداری امام حسن مجتبی(ع) براساس منابع شیعی و اهل سنت، اظهار کرد: فضیلتی از منابع اهل سنت می گویم که متهم به شیفتگی نشوم. خطیب بغدادی که با تشیع رابطه پسندیده ای ندارد و آنقدر این رفتار ناپسند است که در مرگ شیخ مفید به جای جمله دعائیه می نویسد که خدا جامعه اسلامی را از شر مفید راحت کرد، همین فرد مطلبی را در تاریخ بغداد آورده است که به این شرح است: «امام حسن مجتبی(ع) از کنار یکی از نخلستان های مدینه عبور می کرد. غلام سیاهی دید که گرد نانی را با سگ خود با هم می خورند، انسان دوستی حسنی از یک سو و عواطف عالییه از سوی دیگر، وی را وادار به درنگ کرد، آهی کشید و فرمود: «چگونه پسندیده با این سگ رفتار می کنی؟» گفت: «نگاه به چشمان گرسنه او می کنم، فکر می کنم نخست باید او را سیر کنم». حضرت آنقدر ایستادند که آن نان تمام شد، آنگاه با محبت برادرانه پرسید: «این باغ از کیست؟» گفت: «از عوان پسر عثمان و من برده و نگهبان این باغ و این سگ نگهبان من است.» سپس حضرت فرمود: «بایست تا برگردم». حضرت به مدینه بازگشت و با لطائف حسنی باغ و برده را خریداری کرد و بازگشت و به آن غلام سیاه فرمود: «تو که در اخلاق چنین آزاده هستی، من هم تو را آزاد و این باغ را به تو می بخشم.» غلام گریست و اجازه گرفت تا باغ و خود را وقف فقرای مدینه کرد.

این اسلام&lrmsشناس ابراز کرد: امام حسن مجتبی(ع) به نقل از علما چندین بار اموال خود را در راه خدا به فقرا داد و در جزئیات آمده که حضرت کفش های نو خود را به فقرا می داد و کفش های پینه بسته را خود می پوشید. او چنان مردی بود که آنگاه که از پدر بزرگوار خود در بستر مرگ شنید که فرمود: «پسرم خدای را در رعایت تشریف به خانه خدا، مبادا تشریف را از یاد ببرید که مهلت داده نمی شوید». حضرت ۲۵ بار با پای پیاده فاصله مدینه تا مکه را به عمره و حج پیمودند و به نوشته اهل سنت، یکی دو سفر را با پای برهنه انجام داد تا فرمان پدر را در راستای حرمت کعبه معظمه اجرا کند.

مهدوی دامغانی افزود: امام حسن(ع) در بستر مرگ بودند که حضرت سید الشهدا(ع) از ایشان می&lrmsپرسند که دسیسه مسموم شدن شما توسط چه کسی بود، حضرت فرمود: «اگر او که من فکر می&lrmsکنم باشد، او را بگذار با خدای من و خدای او و اگر خدای ناخواسته به گمان و نادرستی نام کسی را ببرم، فکر نمی&lrmsکنی در خون بی&lrmsگناهی شریک باشم؟ رهایم کن و در این راستا از من مپرس.» ثنایی چه نیکو از عهده این مسئله برآمده:

گفت با او ستوده میر حسین/ آن مرا اشراف را چو زینت و زین
زهر جان مر ترا که داد بگوی/گفت غمز از حسن نه بود نکو
جدّ من مصطفی امان زمان/پدرم مرتضی امین جهان
جدّه من خدیجه زین زمان/مادرم فاطمه چراغ جنان
جمله بودند از خیانت و غمز/پاک و پاکیزه خاطر و دل و مغز
من هم از بطن و ظّهر ایشانم/گرچه جمع از غم پریشانم

این مدرس دانشگاه خاطرنشان کرد: از همین جهت است که دو شاعر گران&lrmsسنگ ایران زمین، در سخت&lrmsترین دوران، یعنی جناب سنایی در دوره غزنویان آن زمان که حسنک را به خاطر گرایش به فاطمیون بردار زدند و عطار در زمان مغولان، این دو بزرگوار حضرت مجتبی(ع) را ستوده اند. توصیه به اهل خرد دارم که به «حديقة الحقیقة» سنایی و «مصیبت نامه» عطار مراجعه کنند. خوشبختانه بعدها و در عصر کنونی اهل خرد تاجایی که توانسته اند، نسبت به حضرت انجام وظیفه کرده و خوشبختانه مجموعه خطبه ها و سخنان حسنی در کتاب «الروائع المختاره» از یک سو و توسط مرحوم شیخ عزیزالله عطاردی، مسندی در ۸۰۰ صفحه به نام «مسند امام حسن مجتبی(ع)» تهیه شده است.

وی در خصوص اینکه اگر صلح امام حسن(ع) نبود امام حسین(ع) در مراسم تشییع جنازه ایشان شهید می شد، افزود: توطئه امویان در این بود که تشییع کنندگان جنازه امام حسن(ع) را به خشم آورند، اما حضرت توصیه فرمودند که مبادا در تشییع من، ذره ای خون از کسی بر زمین ریخته شود، لذا اگر صلح پایدار حضرت با معاویه نمی بود، بعید نمی دانم که همه فرزندان

امیرالمومنین(ع) به توطئه مروان خبیث و امویان از بین می رفتند. این صلح پایدار حسنی بود که معاویه چموش نتوانست دست از پا خطا کند. بعد از هلاکت معاویه، امام حسین(ع) در کمال آزادی توانست صحنه کربلا را پدید آورد، او که از سوی خدا مامور بود، این صحنه را پدید آورد.